

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۱ فبروری ۲۰۱۹

ونزوئلا در معرض قحطی، گرسنگی و جنگ داخلی!

قحطی و گرسنگی از یکسو و جنگ داخلی و احتمال کودتای نظامی از سوی دیگر، جامعه ونزوئلا را تهدید می‌کند. این کشور امریکای لاتین و عضو اوپک، مدتی است به شدت از بحران اقتصادی رنج می‌برد. میلیون‌ها نفر ناچار شده‌اند بین فرار و گرسنگی یکی را انتخاب کنند.



خوان گوایدو (Juan Guaidó) رئیس پارلمان ونزوئلا، خود را رئیس جمهوری موقت خوانده و مدعی است چون منصب مادورو غیرقانونی است و کشور عملاً فاقد رهبری موجه است، او طبق قانون اساسی عهده‌دار وظایف رئیس دولت است.

اکنون دولت نیکولاس مادورو (Nicolás Maduro) رئیس جمهور ونزوئلا از سوی اپوزیسیون پارلمانی سلب اختیار شده است.

حرکت گوایدو علیه مادورو، دو هفته بعد از بی‌توجهی مادورو به مخالفت‌های بین‌المللی و سوگند او برای یک دوره شش ساله دیگر ریاست‌جمهوری رخ داد. ریاست‌جمهوری او به‌خاطر ممنوعیت رقبا و مخالفانش برای شرکت در این انتخابات غیرقانونی قلمداد می‌شود.

خوان گوایدو رئیس جدید «شورای ملی» ونزوئلاست؛ یا همان پارلمان یا مجلس قانون‌گذاری این کشور است. گوایدو می‌گوید که با تصمیم این پارلمان، و بر اساس اختیاراتی که قانون اساسی ونزوئلا به این نهاد داده، نیکلاس مادورو به دلیل آزاد نبودن انتخاباتی که در سال ۲۰۱۸ برگزار شد، وجهه قانونی ندارد.

او به دو ماده قانون اساسی ونزوئلا استناد می‌کند: مواد ۲۳۳ و ۳۳۳. در ماده ۲۳۳ آمده که شورای ملی می‌تواند رئیس‌جمهور را با رای خود برکنار کند و در چنین وضعیتی، رئیس شورای ملی به‌شکل موقت ریاست قوه مجریه را

بر عهده خواهد گرفت. در ماده ۳۳۳ هم تأکید شده که اگر قانون اساسی کشور زیر پا گذاشته شود، همه شهروندان موظفند برای برقراری دوباره قانون اساسی بکوشند.

شورای ملی ونزوئلا هم دو هفته پیش اعلام کرد که نیکلاس مادورو، صلاحیت ریاست جمهوری ندارد و او را رسماً «غاصب» این مقام توصیف کرد. بر اساس قانون، از آن زمان رئیس شورای ملی باید ریاست جمهوری را نیز بر عهده می‌گرفت تا ظرف ۳۰ روز انتخابات برگزار کند.

استدلال مادورو می‌گوید که در سال ۲۰۱۸، در انتخابات پیروز شده و در ابتدای سال ۲۰۱۹، سوگند ریاست جمهوری خورده و به‌همین دلیل رئیس جمهور است.

در پاسخ به شورای ملی و استدلال قانون اساسی هم، مادورو و طرفدارانش می‌گویند که به حکم دیوان عالی کشور، این شورا یا پارلمان ملغی شده و اختیاراتش به «مجلس موسسان» منتقل شده است.

مجلس موسسان نهادی تازه تأسیس است که سال گذشته و در پی یک انتخابات جنجالی دیگر تشکیل شد. مخالفان آن انتخابات را تحریم کردند و اکثریت آن در دست طرفداران مادورو است.

دیوان عالی کشور هم توسط قضات طرفدار مادورو کنترل می‌شود. به‌همین دلیل مخالفان آرای این دیوان را که در واقع عالی‌ترین دادگاه کشور است، به چالش کشیده‌اند.

شورای ملی یا همان پارلمان ونزوئلا در سه هفته اخیر جلساتش را در حالی تشکیل داده که نمایندگان طرفدار مادورو در آن شرکت نمی‌کنند. در چنین وضعیتی است که این مجلس علیه مادورو موضع گرفته و خوان گوآیدو را به ریاست برگزیده است.

اکنون صف‌آرایی بزرگی بین اپوزیسیون و نیروهای طرفدار دولت به‌وجود آمده است. نظامیان هم‌چنان از مادورو پشتیبانی می‌کنند.

اما اپوزیسیونی که اینک خوان گوآیدو سخن‌گوی آن است، کل اپوزیسیون را نمایندگی نمی‌کند و این اپوزیسیون یک پارچه نیست.

بحران سیاسی در ونزوئلا، از دو هفته گذشته پس از آغاز رسمی دومین دور ریاست جمهوری نیکلاس مادورو که با اعتراض شدید اپوزیسیون همراه بود وارد مرحله تازه‌ای شد.

قدرت‌های اروپایی نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در این کشور را که با بایکوت مخالفان و ادعای تقلب همراه شد رد و خواهان برپایی انتخاباتی آزاد شده‌اند.

خوان گوآیدو، رئیس مجلس ملی این کشور در اوج اعتراض‌ها به نتیجه انتخابات خود را «رئیس جمهوری موقت» این کشور خواند و از مردم خواست برای مخالفت با دولت حاکم به خیابان‌ها بریزند.

در آخرین تحولات خوان گوآیدو، از مردم این ونزوئلا خواست برای همراه کردن ارتش، مهم‌ترین حامی داخلی نیکلاس مادورو و نیز همراهی با ضرب‌الاجل دولت‌های اروپایی برای برگزاری انتخابات آزاد طی روزهای چهارشنبه و شنبه دست به تظاهرات بزنند.

اما دادستان کل ونزوئلا روز سه‌شنبه ۲۹ ژانویه ۲۰۱۹، با توقیف حساب‌های بانکی خوان گوآیدو، وی را ممنوع‌الخروج کرد. دادستان عمومی ونزوئلا روز سه‌شنبه اعلام کرد که از دیوان عالی این کشور خواسته است، تحقیقات مقدماتی درباره خوان گوآیدو را آغاز کند. به‌گفته‌ی وی، خوان گوآیدو دارای مصونیت قضائی است و تنها دیوان عالی ونزوئلا می‌تواند مصونیت او را لغو کند.

دادستان عمومی ونزوئلا از نزدیکان نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری این کشور است.

تنها یک روز بعد از آن که دیوان عالی ونزوئلا خوان گوایدو را ممنوع الخروج کرد، وی بامداد چهارشنبه ۳۰ ژانویه - ۱۰ بهمن، با انتشار فراخوانی از شهروندان ونزوئلای خواست در اعتراض به دولت مادورو به مدت دو ساعت محل کارشان را ترک کنند یا مقابل خانه هایشان بایستند. گوایدو در این فراخوان گفت: «ونزوئلا خواهان تغییر است.» ونزوئلا، کشوری نفت خیز است اما در عین حال از بحران اقتصادی شدید رنج می برد. صندوق بین المللی پول پیش بینی کرده که نرخ تورم در ونزوئلا در سال ۲۰۱۹ به ۱۰ میلیون درصد برسد. این کشور همچنین از کمبود غذا و دارو رنج می برد.

سازمان ملل، گزارش داده است که در طول تظاهرات روزهای اخیر در ونزوئلا دست کم ۴۰ تن کشته شده اند. بنابراین اعلام روپرت کالویل، سخن گوی حقوق بشر سازمان ملل، ۲۶ تن بر اثر شلیک نیروهای وابسته به حکومت کشته شده اند، ۵ تن به هنگام یورش به خانه ها جان باخته اند و ۱۱ تن نیز به هنگام غارت اموال جان خود را از دست داده اند. کالویل اضافه کرده است که در طول قریب یک هفته از ۲۱ تا ۲۶ ژانویه، ۸۵۰ تن بازداشت شده اند. این تعداد شامل ۷۷ کودک بوده است که شماری از آنها، تنها ۱۲ سال سن داشته اند.

همچنین طبق آمار، در روز ۲۳ ژانویه، ۶۹۶ تن در سراسر ونزوئلا بازداشت شده اند که این عدد بالاترین تعداد بازداشتی روزانه در طول ۲۰ سال اخیر محسوب می شود.

ونزوئلا در سال ۲۰۱۵، مرگبارترین کشور جهان معرفی شده است! چرا که از سال ۲۰۱۵، در هر ۲۱ دقیقه یک نفر در این کشور به قتل رسیده است.

سازمان ملل می گوید که در حال حاضر سه میلیون نفر پناهنده و مهاجر، ونزوئلا را به دلیل بحران اقتصادی، خشونت، تورم بالا و کمبود غذا و دارو ترک کرده اند. این تعداد برابر با یک نفر از ۱۲ ونزوئلای است.

به گفته سخن گوی آژانس پناهندگان سازمان ملل، از این سه میلیون نفر، ۲/۳ میلیون نفر ونزوئلا را از سال ۲۰۱۵ ترک کرده اند. روند خروج از ونزوئلا در شش ماه گذشته شدت یافته است.

بیش از یک میلیون پناهنده و مهاجر ونزوئلای در کلمبیا هستند. پرو هم نزدیک به نیم میلیون پناهنده کلمبیایی دارد. ۲۲۰ هزار نفر در اکوادور، ۱۳۰ هزار نفر در آرژانتین و بیش از ۱۰۰ هزار نفر در شیلی و ۸۵ هزار نفر هم در برزیل پناهنده شده اند.

هر روز ۳ هزار نفر به کلمبیا می رسند و دولت این کشور گفته که تا سال ۲۰۲۱، چهار میلیون نفر می توانند در این کشور زندگی کنند که هزینه ای برابر با ۹ میلیارد دلار در بر خواهد داشت.

هر چهار روز یکبار، چهار تا شش هزار نفر هم به مکزیک می رسند تا از این مسیر خود را به امریکا برسانند.

پیشتر اکوادور و پرو اعلام کرده بودند که شرایط ورود به این کشورها را سخت تر می کنند.

یکی از دلایلی که کشورهای مختلف منطقه به شکل فعالانه ای درباره مسایل داخلی ونزوئلا اظهار نظر می کنند یا از سیاست های دولت این کشور حمایت یا انتقاد می کنند بحرانی است که در سال های اخیر به دلیل مهاجرت سه میلیون ونزوئلای، ابعاد منطقه ای یافته است.

این مهاجران در حال حاضر در سراسر منطقه پراکنده اند و بسیاری از کشورهای امریکای لاتین با تعداد قابل توجهی ونزوئلای آواره روبه رو هستند.

در چنین شرایطی، اپوزیسیون ونزوئلا، یکپارچه نیست از این رو، اقدام گوایدو از حمایت همه بخش های این اپوزیسیون برخوردار نیست. هنری فالكون، نامزد اپوزیسیون در سال ۲۰۱۳، در برابر مادرو و نیز جریان اصلی سوسیال دمکراسی در ونزوئلا اقدام گوایدو را حرکتی ماجراجویانه و غیرمسئولانه خوانده اند و از آن حمایت نکرده اند.

در مجموع بحران ونزوئلا در این سال‌ها با تشدید گرایش‌های استبدادی و ضددمکراتیک در دولت، تلفیق آن با بحران اقتصادی و انسانی و نیز رشد نیروهای رادیکال‌تر در میان اپوزیسیون روزبه‌روز شدیدتر شده است.

این بحران که از سال ۲۰۱۵ با کسب دو سوم اکثریت مجلس توسط اپوزیسیون و شکل‌گیری یک قدرت دوگانه در صحنه سیاسی کشور ابعاد بی‌سابقه گرفته و با کشاکش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بیش‌تری هم در هم تنیده حالا وارد مراحل سرنوشت‌سازی شده است با چشم‌اندازی مبهم و ناروشن!

ایالات متحده آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا و چند کشور امریکای لاتین اعلام کرده‌اند که خوان گویادو را به‌عنوان رئیس جمهوری موقت به رسمیت می‌شناسند. روسیه، چین، کوبا، ترکیه و ایران از کشورهایی هستند که حامی دولت نیکولاس مادورو هستند.

واشنگتن به مادورو اخطار کرده است که همه گزینه‌ها را برای مقابله با اقدامات رئیس جمهور برای سرکوب مخالفان بررسی می‌کند. مسکو در مقابل هشدار داده که با دخالت خارجی در ونزوئلا مخالف است.

مادورو جانشین رئیس جمهور سابق این کشور است. هوگو چاوز (Hugo Rafael Chávez Frías)، هنگامی که رئیس دولت وقت ونزوئلا بود و احمدی‌نژاد رئیس جمهوری وقت حکومت اسلامی، این دو متحد هم بودند. با وجود این که این دو ایدئولوژی و گرایش سیاسی متضادی داشتند: اولی شیعه‌مذهب رئیس دولت اسلامی و دومی سکولار رئیس دولت سوسیال‌دموکرات و سکولار بودند اما در گفتمان سیاسی نقاط مشترکی از جمله ضدامریکائی بودن و مدعی دفاع از مستضعفین و یا محرومان جامعه داشتند! یا ارتش ونزوئلا در اقتصاد نفتی سهم عمده‌ای دارد و همچنین سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران. کل سیستم حاکمیت از یک رهبر تبعیت می‌کند در نتیجه حاکمیت انحصاری است و با ساختارهای فاسد اقتصادی و سیاسی و نظامی.

شامگاه دوشنبه ۲۸ ژانویه - ۸ بهمن، جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا در نشست خبری کاخ سفید اعلام کرد که شرکت نفت و گاز ونزوئلا در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته و منابع و درآمدهای این شرکت در آمریکا نیز مسدود خواهد شد. به‌گفته بولتون، با این تحریم‌ها، ۷ میلیارد دلار از دارایی‌های شرکت نفت و گاز ونزوئلا مسدود می‌شود و طی سال جاری نیز به ۱۱ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی خود دست نخواهد یافت.

اقتصاد ونزوئلا به نفت تکیه دارد و بیش از ۴۰ درصد از نفت این کشور به ایالات متحده آمریکا صادر می‌شود. کنترل شرکت نفت و گاز ونزوئلا را نظامیان به‌عهده دارند. هدف دولت آمریکا از تحریم نفتی ونزوئلا، این است که منابع مالی یاد شده را از دسترس نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری این کشور خارج کند و این منابع را در اختیار خوان گویادو، رئیس پارلمان و رئیس دولت موقت ونزوئلا قرار دهد.

خوان گویادو، رهبر مخالفان ونزوئلا چهارشنبه ۲۴ ژانویه - ۴ بهمن در برابر جمعیت عظیمی از معترضان ضد دولتی سخنرانی کرد و خود را رئیس‌جمهوری موقت ونزوئلا نامید. او که در برابر صدها هزار معترض سخنرانی می‌کرد خواهان برگزاری انتخابات آزاد و برکناری نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهوری فعلی شد.

گویادو از تحریم شرکت نفت و گاز ونزوئلا (PDVSA) استقبال کرد و گفت: «دارایی‌های کشورمان را در یک فرایند قانونی در اختیار می‌گیرم و مانع می‌شوم که مادورو این منابع مالی را به باد بدهد.»

نیکلاس مادورو در یک نطق تلویزیونی که در واکنش به تحریم شرکت ملی نفت و گاز ونزوئلا ایراد کرد، تحریم نفتی ونزوئلا را «اقدام تبه‌کارانه» آمریکا برای «غارت منابع ملی» این کشور خواند و اعلام کرد که به مراجع بین‌المللی شکایت می‌برد: «به رئیس شرکت «پی دی وی اس ای» دستورات کاملا مشخصی دادم که برای طرح شکایت در محاکم سیاسی و حقوقی بین‌المللی اقدام لازم را برای حفاظت از دارایی‌ها و منابع مالی ونزوئلا انجام دهد.»

مادورو سپس رئیس جمهوری امریکا را به زبان انگلیسی مستقیماً خطاب قرار داد و گفت: «از ونزوئلا دست بردار!» قرار است از ۱۰ تا ۱۵ فوریه رزمایش نظامی بزرگی در ونزوئلا برگزار شود. مادورو روز گذشته اعلام کرد که هر روز صدها و بلکه هزاران پیامک از مرز کلمبیا برای سربازان ونزوئلایی ارسال می‌شود و آن‌ها را به شورش فرامی‌خوانند. با این حال ظاهراً ارتش همچنان از مادورو حمایت می‌کند.

کشورهای روسیه، بولیوی، ایران، کوبا و نیکاراگوآ، السالوادور، ترکیه، بلاروس و چین از مادورو، حمایت می‌کنند. امریکا روز ۲۸ ژانویه اعمال تحریم‌ها علیه شرکت دولتی نفت ونزوئلا (PDVSA) را اعلام کرده، ۷ میلیارد دلار از سرمایه‌های این شرکت را توقیف نموده و همچنین معاملات با این شرکت را ممنوع کرد. وزارت خارجه امریکا، اعلام کرد خوان گویادا، رهبر مخالفان مادورو از حق دسترسی به حساب‌های دولت ونزوئلا در بانک‌های این کشور برخوردار است.

دولت امریکا، کارلوس آلفردو، دیپلمات بلندپایه ونزوئلایی و از حامیان گویادو را به‌عنوان سفیر ونزوئلا در امریکا به رسمیت شناخته است. استرالیا و اسرائیل نیز به جمع کشورهایی که دولت موقت ونزوئلا را به رسمیت شناختند پیوستند. روسیه، چین، ترکیه و ایران، مکزیک، کوبا و بولیوی همچنان از دولت مادورو حمایت می‌کنند.

نمایندگان پارلمان اروپا، امروز پنجشنبه ۳۱ ژانویه - ۱۱ بهمن با تصویب یک قطع‌نامه غیرالزام‌آور، رئیس‌جمهوری موقت ونزوئلا را به‌عنوان رهبر موقت این کشور پذیرفته و به این ترتیب گام نمادین مهمی را برای فشار بیشتر به دولت نیکولاس مادورو برداشتند. آن‌ها با تصویب این قطع‌نامه از کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز خواستند تا هر یک جداگانه خوان گویادو را به رسمیت بشناسند.

استبان گونزالس پونز، نماینده اسپانیا از حزب راست‌میانه در پارلمان اروپا، در این زمینه گفت: «ما از اروپا می‌توانیم به تغییر حکومت ونزوئلا کمک کنیم تا به همه بفهمانیم که ظالمان هیچ امکانی برای دموکراسی فراهم نمی‌کنند.» شرکت نفت ونزوئلا - PDVSA، در سال ۱۹۷۵ در با سیاست‌های اقتصاد دولتی، تأسیس شد. این شرکت در سال ۱۹۹۷، روزانه ۳/۳ میلیون بشکه نفت استخراج می‌کرد. اکنون به یک سوم این میزان رسیده است.

در واقع بحران ونزوئلا از زمان حاکمیت هوگو چاوز آغاز شد. سیاست اقتصادی او، دولتی کردن اقتصاد و همه صنایع و منابع کشور بود. سیاستی که در شوروی سابق تجربه شده و نهایت هم در مقابل سیاست اقتصاد آزاد شکست خورده بود. اما در هر دو سیستم اقتصادی دولتی و آزاد، طبقه کارگر شدیداً استثمار می‌شود و حاکمیت مزدی برپاست. هوگو چاوز، همچنین جامعه ونزوئلا را بیش از پیش به نفت وابسته کرد.

اما از حدود پنج سال پیش، علایم اولیه بحران خود را در صنایع نفت نشان داد و به سرعت به همه بخش‌های اقتصاد کشور سرایت کرد.

دولت مادورو در ادامه سیاست چاوز و برای جواب‌گویی به بحران اقتصادی، به چاپ اسکناس رو آورد تا بتواند. اما این سیاست نه تنها وضعیت مردم را نه تنها بهبود نبخشید، بلکه اوضاع اقتصادی کشور بدتر و وخیم‌تر شد. ورشکستگی اقتصادی، اعتراضات سیاسی مردمی را تشدید کرد. در نتیجه بحران اقتصادی و بحران سیاسی، همدیگر را تکمیل کردند و موقعیت دولت را زیر سؤال جدی بردند. تورم به یک میلیون در صد رسید و نوسان ارز و چند نرخ شدن آن، هر چه بیش‌تر اقتصاد دولتی را فاسدتر ساخت. در ادامه بحران عظیمی شکل گرفت که پایه‌های حاکمیت را به لرزه درآورد.

در چنین شرایطی، دولت مادورو و طرفدارانش، تمرکز دادن به عوامل اصلی بحران و حل آن، همه را به توطئه خارجی و امپریالیسم امریکا نسبت دادند. هرچند توطئه خارجی را نمی‌توان رد کرد اما این توطئه نمی‌توانست این چنین جامعه را تکان دهد و کل موجودیت حاکمیت را زیر سؤال ببرد.

اکنون فاصله گرفتن دستمزدها از قیمت‌های بازار باعث شده تا مردم ونزوئلا برای خرید یک عینک مجبور شوند پنج ماه کار کنند!

کارشناسان اقتصادی در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه اعلام کرده‌اند که حذف صفر از پول راهکار مفیدی برای حل پدیده ابرتورم در ونزوئلا نیست. صندوق بین‌المللی پول که پیش‌تر پیش‌بینی کرده بود تورم ونزوئلا به ۱۴ هزار درصد برسد، با افزایش چشمگیر در جدیدترین پیش‌بینی خود گفته است که تورم ۱ میلیون درصدی در انتظار ونزوئلا خواهد بود. پدیده ابرتورم باعث شده است تا اسکناس‌های فعلی ونزوئلا عملاً ارزشی از خود نداشته باشند.

در سال ۲۰۱۷ با اسکناس ۱۰۰ هزار بولیواری که بزرگترین اسکناس این کشور است، می‌شد پنج کیلو برنج خرید اما الان این پول حتی برای خرید یک عدد سیگار نیز کاف نیست. همچنین عینک در بازار به یک میلیون بولیوار رسیده است که نیاز به ۱۰ هزار اسکناس درشت دارد و این پنج برابر حداقل دستمزدها در ونزوئلا است.

لئوناردو ورا - یک اقتصاددان - در این‌باره گفته است: «اسکناس ۵۰۰ بولیواری جدید احتمالاً تا پایان سال بی‌ارزش خواهد بود.»



هوگو چاوز رئیس‌جمهور پیشین این کشور نیز ۱۰ سال پیش با حذف ۳ صفر از پول ملی به بحران اقتصادی جواب داد. اسدربال البوارس یک اقتصاددان دیگر گفت: «راهمل سال ۲۰۰۸ یک شکست بزرگ بود چرا که نتوانست به ابرتورم خاتمه دهد.»

در سال ۱۹۹۹ هوگو چاوز رئیس‌جمهور این کشور شد. این تاریخ را می‌توان از سرنوشت‌سازترین زمان‌های تاریخ معاصر کشور ونزوئلا دانست. او در زمان ریاست جمهوری خود سیاست‌هایش را بر پایه دل‌های نفتی بنا کرد و عوامل‌فریبانه به پشتوانه درآمد بالای نفتی پیش رفت.

چاوز که در سال ۱۹۹۹ سوسیال‌دموکراسی و سیاست‌های پوپولیستی را به ونزوئلا آورد با کودتای ناموفق امریکا حتی در میان منتقدان سیاسی خود، هواداران زیادی پیدا کرد. ولی با بروز بحران، چاوزیست‌ها تنها عوامل «توطئه خارجی» و «جنگ اقتصادی» را برجسته کردند و به این ترتیب، به سیاست‌های غلط خود ادامه دادند.

طبق بررسی‌ها، هنگامی که در سال ۱۹۶۰ میلادی، ۵ کشور «اوپک» را شکل دادند، تنها یکی از آن‌ها ساکن خاورمیانه نبود؛ ونزوئلا! این نه تنها نشانه نیروی انرژی ونزوئلا بود، بلکه پیشنهاد تشکیل «سازمان کشورهای صادرکننده نفت» اصولاً یک سال قبل از سوی حاکمان آینده‌نگر این کشور مطرح شده بود. در دهه پس از آن، ونزوئلا کشوری متمدن شناخته می‌شد. در آن سال‌ها، این کشور ۱۰ درصد از تولید نفت خام در جهان را در دست داشت و

مهمتر این‌که تولید ناخالص داخلی سرانه‌اش چندین برابر همسایگانی چون برزیل و کلمبیا بود، با فاصله‌ای نه چندان زیاد از ایالات متحده. حالا کلمبیا همان کشوری است که ونزوئلای‌ها پشت مرزهای آن صف می‌کشند، شاید گشایشی شود و کالاهائی چند به دست برسد.

کیث جانسون، نویسنده مسائل ژئواکونومی در «فاران پالیسی» می‌نویسد: «ونزوئلا در دهه ۱۹۶۰ میلادی پیگیر متنوع کردن درآمدهای خود بود تا با توسعه دیگر بخش‌های اقتصاد به جز نفت، گرفتار «نفرین منابع» نشود. با این حال، در دهه ۷۰، بهای طلای سیاه چنان خیز گرفت که انگار سیل پول همیشه ادامه خواهد داشت.»

اکنون همان کشوری که ایده اوپک را داد، ناچار به واردات بنزین شده است، تولید نفتش در مقطعی به پائین‌ترین سطح در ۲۸ سال گذشته رسیده (کمتر از ۲ میلیون بشکه در روز) و هیچ راه برون‌رفتی از این اوضاع که توری باورنکردنی را به‌همراه آورده، ندارد. چرا اقتصادی منظم بدون جنگ و تحریم به چنین بحرانی دچار شده است نفت که در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بهائی بالای ۱۰۰ دالر داشت، در سال ۲۰۱۵ تحت فشار مازاد عرضه قرار گرفت و در سال ۲۰۱۶، حتی بهائی نزدیک ۲۰ دالر را هم تجربه کرد. در نتیجه پولی برای دولت وابسته به درآمد نماند، نه فقط برای ولخرجی‌های پوپولیستی گذشته و فساد اداری و غیره باقی نماند و نه برای اداره امور اساسی کشور. پس درآمد هنگفت آن چند سال رویائی ونزوئلا و یا ایران کجا رفتند؟ وقتی چند سال خبری از نگهداری و توسعه تجهیزات و زیرساخت‌ها نباشد، کاهش تولید نفت ونزوئلا به کمترین میزان در ۱۳ سال قبل از آن (در سال ۲۰۱۶) نباید مقامات دولتی‌ها را شگفت‌زده می‌کرد. بحران به جایی رسید که شرکت دولتی نفت ونزوئلا (PDVSA)، حتی پولی برای پرداخت به‌شرکت‌های خارجی استخراج‌کننده نداشت.

بحران صنایع نفت، سریعا به صنایع دیگر نیز کشیده شد و با کمیاب‌شدن کالاهای اساسی و دارو، گرانی، تورم، بیکاری، بزهکاری و قتل و غارت نیز فزونی یافت. فروشگاه‌ها خالی شدند و خدمات درمانی در بسیاری از مناطق، تعطیل گردید. اما این وضعیت اسفبار، حتی در این مرحله نیز چندنا توجه طرفداران و جانشینان چاوز جلب نکرد و تغییری در سیاست‌ها خود ندادند. بولیوار پول ملی کشور سقوط کرد؛ بازار نفت از رونق افتاد، حتی از واردات غذا به‌بهانه از دست رفتن شغل‌های داخلی جلوگیری شد تا این که واردات غذا در نیمه نخست سال ۲۰۱۶، به‌نصف تقلیل یافت. ادامه این سیاست‌ها، چنان وضعیتی به‌بار آورد که باعث شد دولت مرکزی کنترل قیمت‌ها را کنار بگذارد. بهای کالاهای گوناگون و مورد نیاز مردم، آن‌قدر بالا رفت که خریدش برای کمتر کسی ممکن بود. قتل و غارت بیش‌تر شد تا ونزوئلا خطرناک‌ترین کشور جهان معرفی شد و ناامن‌تر از کشورهای درگیر جنگ.

با افزایش بدهی‌های خارجی و کاهش تولید و بهای نفت، خزانه دولت خالی شد. پول تا حدی کم بود که ونزوئلا بخشی از بدهی‌هایش را با شمش‌های طلا بازپس داد. به‌این ترتیب، حتی چین که مدت‌ها به ونزوئلا کمک مالی کرده بود، دست کشید و همین‌طور روسیه. در این شرایط، اعتصاب و اعتراض تنها سلاح کارگران، برابری‌طلبان، آزادی‌خواهان و به‌طور کلی محرومان این کشور بود.

به این ترتیب، کشوری ثروتمند، حاصل‌خیز با فضای نسبتاً باز سیاسی، دچار بحران‌های اقتصادی، سیاسی و انسانی فاجعه‌باری شد. کشوری که در دهه ۱۹۹۰ میلادی، موتور محرکه اقتصاد امریکای لاتین بود، تبدیل به کشور چندپاره گرسنگان و درماندگان شد. به‌قول پاتریک گیلپی، ماریلیا بروکتو و پائولا نیوتن در گزارش یک سال پیش‌شان برای سی‌ان‌ان، «ونزوئلای که در سال ۱۹۹۷، اولین مقصد سفرهای منطقه‌ای رئیس‌جمهور امریکا، بیل کلینتون بود، شاهد شکاف شدید نابرابری شد. اقلیتی کوچک همه‌چیز را در دست گرفتند در حالی که توده‌ها از فقر خشمگین بودند.»

ریکار دو هاوسمان، وزیر برنامه‌ریزی پیشین ونزوئلا چندی پیش به الجزیره گفته بود: «فروپاشی اقتصادی، وضعیت از سال ۲۰۱۳ به بعد را بزرگترین رکود تاریخ در نیمکره غربی می‌کند، رکودی که تقریباً دو برابر رکود بزرگ امریکا است.»

یا استیون لویستی، استاد سیاست دانشگاه هاروارد به فارن پالیسی، گفته است: «دموکراسی‌ها عموماً این‌گونه مضمحل نمی‌شوند. ونزوئلا یکی از ۴ یا ۵ دموکراسی است که به چنین وضعیتی دچار شده‌اند و این کشور از همه آن‌ها ثروتمندتر است. در بیشتر موارد، حکومت‌ها پیش از آن‌که وضعیت به این بدی شود، خودشان باید بروند. اما قدرت چیزی نیست که قدرت‌مندان و حاکمان بتوانند به راحتی از آن کنارگیری کنند!

چاوز همچنین میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ونزوئلا را که باید خرج توسعه زیرساخت‌های اقتصادی این کشور می‌شد، در کشورهای دیگر امریکای لاتین خرج کرد.

منتقدان هوگو چاوز بر این باور هستند که چاوز به‌جای استفاده از ثروت‌های کلان نفتی در جهت توسعه پایدار کشور ونزوئلا، تلاش کرد که جایگاه خود را در حاکمیت محکم‌تر کند و نوعی الیگارش‌ی را در این کشور به‌وجود آورد. الیگارش‌ی یعنی حکومت یک گروه کوچک فاسد بر کشور که پاسخ‌گوی مردم هم نیستند.

او همچنین میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ونزوئلا را که باید خرج توسعه زیرساخت‌های اقتصادی این کشور می‌شد، در کشورهای دیگر امریکای لاتین خرج کرد و حتی بدهی‌های کشورهای آرژانتین و برزیل را پرداخت کرد.

نرخ تورم این کشور در سال ۲۰۱۴ برابر ۶۳ درصد بوده است و در فاصله ۴ سال نرخ تورم در اقتصاد ونزوئلا به ۲۴۵۷۱ درصد رسید.

ونزوئلا کشوری که زمانی از قدرت‌های بزرگ کشاورزی دنیا بود، به یک واردکننده بزرگ محصولات کشاورزی تبدیل شد. چاوز رئیس‌جمهور سابق این کشور، به‌جای حل مشکلات اقتصادی این کشور از مردم درخواست می‌کرد که کمتر غذا بخورند و مصرف برنج‌شان را کنترل کنند.

این قبیل توصیه‌ها توسط رئیس‌جمهور این کشور، یعنی نیکلاس مادورو نیز تکرار می‌شود. به‌طور مثال، مادورو از مردم خواسته است برای عبور از شرایط اضطراری اقتصادی، دمای کولرهایشان را کم کنند و ۶۰ روز سشوار نکشند!



از دو دهه گذشته تا به امروز روابط سیاسی و تجاری میان ایران و ونزوئلا شکل‌گرفته است. احداث کارخانه‌های تولید خودرو، تراکتورسازی، ساخت کشتی‌های نفت‌کش، سیمان، ساخت خانه‌های ارزان‌قیمت، دوچرخه، کارخانه‌های تولید

لبنیات، کارخانه تزریق پلاستیک و خانه‌های پیش‌ساخته از جمله زمینه‌های صادرات خدمات فنی مهندسی، تولید مشترک و سرمایه‌گذاری ایران در ونزویلا است.

تا پیش از شروع بحران نفتی در سال ۲۰۱۴ تراز تجاری ایران و ونزویلا روند مثبتی داشته اما پس از آن روند نزولی را پیش‌گرفته است.

در چند سال گذشته، رفت‌وآمدهای مقامات سیاسی و دولتی دو کشور، موجب امضای تفاهنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های زیر شده است:

موافقت‌نامه بازرگانی میان دو کشور که در آذرماه ۱۳۸۳ در تهران به امضاء رسید. موافقت‌نامه تجارت آزاد که در اسفندماه ۱۳۸۳، در کاراکاس به امضاء رسیده و اجرائی نمودن ضمایم پنج‌گانه آن در حال انجام است.

یادداشت تفاهم تأسیس شرکت مشترک بازرگانی ونزویلا-ایرانی (ونیزانکو)، که در سفر تیرماه آقای چاوز در سال ۱۳۸۶ توسط معاونین وزرای بازرگانی دو کشور امضاء شد.

در واقع رابطه ایران و ونزویلا در دوره احمدی‌نژاد و چاوز، توسعه بیشتری پیدا کرد. هوگو چاوز و محمود احمدی‌نژاد، روسای جمهوری دو کشور بارها با هم دیدار کرده و بیش از صد توافق‌نامه دوجانبه در زمینه‌های بان‌کداری، ساختمان‌سازی، فرآوری موادغذائی، حمل و نقل و البته صنعت نفت به امضاء رساندند.

احمدی‌نژاد و چاوز رابطه بسیار گرم و صمیمانه‌ای باهم داشتند و یکدیگر را برادر خطاب کرده و سران دو کشور ایران و ونزویلا بارها بر اهمیت اتحاد سیاسی و اقتصادی خود تأکید کرده است.

یک منبع دولت ونزویلا گفته که طرح‌های مشترک ایران و کشورش مجموعاً بیست میلیارد دلار ارزش دارد. اما شریک بیش‌ترین طرح‌های اقتصادی ونزویلا چین است.

با روی کار آمدن دولت یازدهم مبادلات تجاری بین دو کشور کاهش پیدا کرد و رقم ۱۲۰ میلیون دلار صادرات در سال ۹۲ به عدد ۲۰ میلیون دلار در سال ۹۳ رسید. مهم‌ترین علت این اتفاق، بازشدن مجدد دروازه‌های تجارت با اروپا بود که در دولت احمدی‌نژاد، به‌خاطر تحریم‌ها و تنش‌هایی که رئیس دولت وقت با آن کشورهای اروپائی داشت، بسته شده بودند.

در سال‌های گذشته، روابط اقتصادی ایران و ونزویلا شامل موارد متعددی مانند سرمایه‌گذاری ایران در این کشور به‌منظور تولید انرژی، همکاری‌های صنعتی، ایجاد کارخانه مهمات، کارخانه مونتاژ خودرو، کارخانه سیمان و حتی ساخت مسکن با الگوبرداری از مسکن مهر ایران می‌شد.

هم‌چنین روابط تجاری ایران و ونزویلا در بخش‌های مختلفی از جمله انرژی، کشاورزی، ساخت مسکن و زیرساخت‌ها ادامه یافت و در سال ۲۰۰۷، ایران ایر، با همکاری کنویاسا، پرواز تهران-کاراکاس را از طریق دمشق برقرار ساخت. یک خط منظم هواپیمائی میان تهران و کاراکاس نیز در سال ۲۰۱۰ راه‌اندازی شد.

از سوی دیگر، دو کشور تصمیم به ایجاد شرکت پتروشیمی واحدی به نام ونیران گرفتند که به دلیل عدم تأمین آورده از سوی ونزویلا متوقف است. در ادامه توقف فعالیت‌های نفتی ایران در منطقه امریکای جنوبی، تاخیرهای متعدد سرمایه‌گذاران ونزویلائی در طرح ساخت پتروشیمی ونیران هم با واکنش مسؤولان شرکت ملی صنایع پتروشیمی روبه‌رو شده است.

برای اجرای این پروژه پتروشیمیائی، پس از تأسیس شرکت مشترک «ونیران»، شرکت پتروشیمی بین‌الملل ایران ۴۹ درصد، سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی یک درصد، پکی ون ونزویلا ۴۹ درصد و شرکت سرمایه‌گذاری ونزویلا(آی. پی. ال) یک درصد سهم این طرح را در اختیار گرفتند.

با گذشت بیش از ده سال از آغاز کلنگ‌زنی این پروژه پتروشیمیایی عسلویه تاکنون هیچ‌گونه پیشرفت اجرائی حاصل نشده و علاوه بر این هنوز اقدامی در راستای تأمین منابع مالی و اعتباری این طرح نفتی نیز صورت نگرفته است. همچنین ایران و ونزوئلا در زمان هوگو چاوز ریاست جمهوری سابق این کشور در حوزه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی همکاری‌های متعددی همچون ایجاد شرکت نفت‌کش مشترک، توسعه میادین نفت و گاز دو کشور همچون فاز ۱۲۱۲ پارس جنوبی، دبوکوبی ونزوئلا، ساخت پالایشگاه نفت در سوریه را آغاز کردند که هیچ‌یک از این توافق‌ها تاکنون اجرائی نشده است.

مهمترین نقطه قوت اقتصادی بین ونزوئلا و ایران را باید در اوپک جست‌وجو کرد. ونزوئلا نیز مانند ایران از نفت‌گران حمایت می‌کند زیرا کاهش قیمت نفت مشکلات زیادی را برای کشورهای تولیدکننده از جمله ونزوئلا که برای تأمین بودجه خود به درآمدهای نفتی وابسته هستند، ایجاد کرده است.

ونزوئلا و ایران دو کشور متحد در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) هستند و بدون تردید جزو بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان به‌شمار می‌روند. بر اساس آمارها، ونزوئلا از سال ۲۰۰۸ تا کنون با کسری بودجه روبه‌روست و برای رسیدن به تعادل نیازمند آن است که نفتی بالاتر از ۱۱۷ دلار به فروش برساند.

همین امر سبب شد تا با وجود شکست طرح فریز نفتی در فروردین ماه، پیشنهاد تثبیت قیمت نفت مجدداً از سوی ونزوئلا مطرح شود و حتی به این منظور رئیس‌جمهوری این کشور راهی ایران و عربستان شود تا نظر مساعد این دو کشور را به‌عنوان تأثیرگذارترین اعضای اوپک جلب کند.

نهایتاً هرچند که به لحاظ اقتصاد دولتی و وابسته بودن به نفت، حاکمیت‌های دو کشور نزدیکی‌ها و شباهت‌های زیادی دارند اما از نظر اجتماعی و فرهنگی تفاوت‌های زیادی بین مردم این دو کشور وجود دارد. مردم ونزوئلا دوران طولانی، آزادی نسبی را تجربه کرده است در حالی که در ایران یک قرن اخیر، در سه دوره متفاوت تاریخی، نسیم آزادی شروع به وزیدن کرده اما خیلی سریع توسط حاکمان جدید از بین رفته و دیکتاتور و استبداد مطلق بر جامعه ایران حاکم شده است. به‌خصوص ایدئولوژی اسلامی که یک پایه مهم حاکمیت در ایران است در ونزوئلا نقشی ندارد.

ونزوئلا از زمانی کشفش توسط کریستف کلمب تا اوایل قرن ۱۹ میلادی، مستعمره کشور اسپانیا بود؛ اما در سال ۱۸۱۱ توانست استقلال خود را به‌دست بیاورد. در قرن نوزدهم و حتی اوایل قرن بیستم، حکومت دیکتاتوری و درگیری‌های سیاسی در ونزوئلا برقرار بود؛ اما از سال ۱۹۵۸ به بعد، حاکمیت نسبتاً دموکراتیک غیرنظامی در این کشور وجود داشت که البته خالی از درگیری و برخورد نبود.

بی‌گمان در چنین وضعیتی، باید در کنار مردم معترض ونزوئلا قرار گرفت که در مقابل سانسور و اختناق و سرکوب آزادی‌های فردی و جمعی و وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی و گرسنگی به خیابان‌ها آمده‌اند. مردم این کشور، حق دارند برای آزادی، برابری و تأمین اجتماعی و سیاسی به خیابان‌ها بپردازند.

بر خلاف ادعاهای برخی نیروهای چپ، دانشجویان حاکم چاوز، یعنی مادورو، ربطی به سوسیالیسم و جنبش کارگری و مردم محروم ندارند. حاکمان ونزوئلا دیکتاتورهای غیرمذهبی و ناسیونالیست هستند. از نظر اقتصادی نیز مجری نوعی اقتصاد سرمایه‌داری دولتی هستند که همانند اقتصادی بازار آزاد، یک اقتصاد فاسد و ورشکسته است.

از سوی دیگر، باید محکم و قاطعانه دخالت‌های هیات حاکمه آمریکا و یا چین و روسیه و غیره در امور داخلی این کشور را شدیداً محکوم کرد. چرا که این حق مردم این کشور است که با حاکمان جامعه خود، تصفیه حساب کنند و به

هیچکس اجازه ندهند جنبش ضدحکومتی خود را را که برای آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و رفاه است را به بیراهه ببرد.

بی‌تردید دخالت حاکمیت امریکا در امور داخلی ونزوئلا را باید شدیداً محکوم کرد. چرا که این مردم این کشور هستند که باید با حاکمیت موجود تسویه حساب کند و سرنوشت جامعه‌شان را مستقیماً به دست خویش رقم بزنند. به‌خصوص پیش از این امریکا بارها در کشورهای امریکای جنوبی مانند مکزیک، آرژانتین، برزیل، شیلی و سایر کشورهای منطقه دخالت کرده و نتایج آن ضدمردمی بوده که به فاصله طبقاتی سنگین و فقر عمومی انجامیده است. عموماً دولت‌های نظامی ژنرال‌های کودتاچی مجری این سیاست‌ها بوده‌اند و دولت‌های دمکراتیک مانند شیلی را نابود کرده‌اند. اکنون سؤال اساسی این است که آیا هنوز شانسی برای نجات ونزوئلا هست؟ واقعا حکومتی که نه پشوانه مردمی و نه پول و نه جذب سرمایه دارد و نه حامیان داخلی یکدست و نه وام‌دهندگان سخاوتمند خارجی داشته باشد، چه راهی دارد؟ به‌نظر می‌رسد با توجه به کمبود ذخایر ارزی و طلا، فرار سرمایه‌گذاران و سرمایه‌داران، تظاهرات گسترده مخالفان و حمایت نکردن همه‌جانبه چشن و روسیه از حکومت ونزوئلا، تنها راه برون‌رفت از این فاجعه انسانی، در پیش گرفتن راه سوم است: یعنی نه دولت و نه رئیس‌جمهور مدعی ریاست جمهوری موقت، بلکه به میدان آمدن جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و همه مردم آزاده که به‌طور متحد و یکپارچه بدیل طبقاتی خود را در مقابل جامعه قرار دهند و آن هم جنبش شورائی و دخالت مستقیم همه آحاد جامعه از طریق تشکل‌هایشان در سرنوشت خویش است.

پنجشنبه یازدهم بهمن [دلو] ۱۳۹۷ - سی و یکم جنوری ۲۰۱۹